



سنخواست قدیم

(پژوهشی در فرهنگ عامه)

www.ketab.ir

تألیف:

ابوالقاسم امینی

سرشناسه : امینی، ابوالقاسم، ۱۳۵۷-
 عنوان و نام پدیدآور : سنخواست قدیم (پژوهشی
 در فرهنگ عامه)/تالیف ابوالقاسم امینی :
 ویراستار عارف امینی.
 مشخصات نشر : بجنورد: در قلم ، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۴۴۰ ص. مصور، نمونه.
 شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۸۰-۰۴-۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۴۳۵ - ۴۴۰.
 عنوان دیگر : پژوهشی در فرهنگ عامه.
 موضوع : فرهنگ عامه -- ایران
 موضوع : Folklore -- Iran
 رده بندی کنگره : GR۲۹۰
 رده بندی دیویی : ۳۹۸/۰۹۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۷۱۸۷۷
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا



Qalampub.ir Info@QalamPub.ir

تلفن تماس: ۰۹۱۵۸۸۵۸۲۹۸-۰۹۳۵۳۶۳۹۱۴

سنخواست قدیم

تألیف : ابوالقاسم امینی

ویراستار: عارف امینی

طراحی جلد: مرتضی اکبری

ناشر: انتشارات در قلم

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۷۸۰-۰۴-۸

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۱۹۹۰۰۰ تومان

انتشار تمام و یا قسمتی از این کتاب در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی به هر شکلی مطلقاً ممنوع می‌باشد. استفاده از تمام و یا بخشی از کتاب به صورت بولتن، جزوه، کتابچه مشروط به اجازه کتبی از مؤلف می‌باشد. استفاده در کتب و مقالات با ذکر منبع بلامانع است.

فهرست

۱۳.....	پیش‌گفتار
۲۱.....	فصل اول: آداب و رسوم و آئین‌ها
۲۳.....	ازدواج
۳۰.....	جشن سده
۳۲.....	جشنواره‌های امام‌زاده
۳۴.....	زایمان
۳۷.....	سفرهای زیارتی
۴۰.....	شب چله
۴۳.....	طلب باران
۴۴.....	ماه مبارک رمضان
۴۸.....	محرم قدیم
۵۲.....	مراسم تعزیه
۵۴.....	منادی
۵۵.....	نوروز
۶۱.....	یووری
۶۵.....	فصل دوم: اسباب و ملزومات زندگی
۶۷.....	آش‌گیری و پش‌گیری
۶۸.....	پوشاک زمستانی
۷۰.....	زج کردن مشک
۷۱.....	شغار
۷۲.....	گندی
۷۳.....	لباس شستن
۷۵.....	نگهداری مواد غذایی

۷۹	فصل سوّم: اسناد
۸۱	سند شماره یک (زمین محوطه سرخوضی)
۸۲	سند شماره دو (سیاه چال خیوه)
۸۳	سند شماره سه (قنات کارچی)
۸۳	سند شماره چهار (زمین شوا)
۸۵	سند شماره پنج (معامله آب)
۸۶	سند شماره شش (سند نکاح)
۸۷	سند شماره هفت (سند حکومتی)
۸۸	سند شماره هشت (زمین معراج)
۸۹	سند شماره نه (زمین مدرسه)
۹۱	فصل چهارم: اقتصاد و معیشت
۹۳	آبیاری بدون ساعت
۹۵	آهنگری
۹۷	بقالی
۹۹	پرور بندی (پلوار گیری)
۱۰۰	تأمین سوخت
۱۰۴	تأمین آب مصرفی
۱۰۷	چوبیزی
۱۰۸	خیاطی
۱۰۹	دال
۱۱۰	دامداری
۱۱۲	رنگری
۱۱۳	صنعت کفش
۱۱۷	طلای سفید
۱۱۹	طلای مقدّس
۱۲۰	قصابی
۱۲۱	قنات
۱۲۶	کوره های آجریزی
۱۲۷	کوزه گری
۱۲۹	گاوپران
۱۳۰	مسگری و حلبی سازی
۱۳۱	منی کردن
۱۳۳	نچاری
۱۳۵	نردچی

سنخواست قدیم ۱ ۷

۱۵۷.....	فصل پنجم: بازی و سرگرمی
۱۵۹.....	آق ملیداد
۱۶۰.....	آپاآپاآک
۱۶۱.....	انگورخوری
۱۶۲.....	بالا پلندی
۱۶۲.....	بحول بزی
۱۶۸.....	بل بزی
۱۶۹.....	بلبلدن
۱۷۰.....	تایر بزی
۱۷۲.....	تپ تپ د جمیری
۱۷۲.....	تریس
۱۷۷.....	توپ وردم
۱۷۷.....	تیشله بزی (تيله بازی)
۱۷۹.....	جنگ جنگ
۱۷۹.....	خور بزی (گردوبازی)
۱۸۰.....	چوچلک بزی (چوب چلک بازی)
۱۸۲.....	چور
۱۸۳.....	حموم بزی
۱۸۴.....	خریژه بزی
۱۸۵.....	خریشک
۱۸۶.....	خنه پادشاه
۱۸۷.....	دامبرمه
۱۸۸.....	دست به دیوار
۱۸۹.....	دنبزالی
۱۹۰.....	رگ بزی
۱۹۶.....	شله بزی
۱۹۸.....	سوزن بازی
۱۹۹.....	شاه بزی (میر نوروزی)
۲۰۳.....	شاه، دزد، وزیر
۲۰۴.....	گچه بزی
۲۰۵.....	کلاغ کلاغ
۲۰۶.....	کلاه پت پتی
۲۰۷.....	کمریند بازی
۲۰۹.....	کُنج کُنج بزی
۲۰۹.....	کولخ د دست (کلوخ در دست)
۲۱۱.....	کورکوری
۲۱۱.....	گُل بازی

۲۱۳		گوش ثوتوی
۲۱۴		گیزگیز
۲۱۴		لقی چنگک
۲۱۵		مرغنه بزی (تخم مرغ بازی)
۲۱۶		مرغنه گنده
۲۱۷		موش آقه
۲۱۷		میرچنک
۲۱۹		فصل ششم: باورهای پزشکی و طب سنتی
۲۲۱		آبله مرغان
۲۲۲		برفک دهان
۲۲۳		بیماری های چشمی
۲۲۴		چشم زخم
۲۲۶		داغ درمانی
۲۲۹		درمان زخم ها
۳۰		زگیل (تولیجه)
۳۲		سرخک (گشنیجه)
۳۵		سیاه سرفه
۳۷		نازایی
۳۹		فصل هفتم: تاریخ
۴۱		انقلاب ۵۷
۴۴		برج های خونی
۵۲		جنگ جهانی دوم
۵۳		سال چهل برف
۵۴		سال غارت
۵۵		سنخواست در کتب قدیم
۶۳		فصل هشتم: خوراک
۶۵		آش برکه و خنغمه
۶۶		آش قلیدار
۶۷		آلیم چالیم
۶۸		آشکینوی
۶۸		انده
۶۹		بادمجنی
۷۰		پرینی و تلخو
۷۱		بلغور
۷۲		جوشپره
۷۳		چوزمه
۷۴		حورتی

سنخواست قدیم ۱ ۹

۲۷۴	دوغرمه
۲۷۵	دوغرم (کمه گرم، قوروتی)
۲۷۶	دنی
۲۷۷	زری
۲۷۷	شوله ماش
۲۷۸	شولی
۲۷۸	فطیرها
۲۸۲	فیح
۲۸۲	کشک
۲۸۳	کچی
۲۸۴	کولچه قندی
۲۸۵	گرماس
۲۸۵	مستوه
۲۸۶	موجی او
۲۸۷	نان های محلی
۲۸۹	فصل نهم: راه و ترابری
۲۹۱	اطاق شهری
۲۹۴	جاده ها و وسایل نقلیه عمومی
۲۹۹	فصل دهم: زبان و ادبیات عامه
۳۰۱	بجه خوانی
۳۰۴	بیت پی چرخ
۳۰۸	ساختمان فعل
۳۲۱	فرایندهای واجی
۳۲۶	قصه گوئی
۳۲۷	لالایی
۳۳۶	معرفی دو واکه (مصوت)
۳۳۷	نام آوا
۳۴۱	فصل یازدهم: مسکن، بناهای تاریخی و نهادها
۳۴۳	آبادی های متروک
۳۵۱	آسیاب های قدیمی
۳۵۴	باغچه های سنخواست
۳۵۶	چاله ای مرموز
۳۵۶	حمام قدیمی اندقان
۳۵۸	حمام قدیمی سنخواست
۳۶۲	خواجه تدر
۳۶۴	خیرات
۳۶۶	رباط قلی

پیش‌گفتار

فرهنگ عوام در زبان فارسی معادل کلمه بین‌المللی فولکلور گرفته شده است. فولکلور نیز کلمه‌ای است مرکب از دو جزء: یکی folk و دیگری lore و معنی آن دانش عوام است. در زبان فارسی فولکلور را فرهنگ عامه، فرهنگ عوام و دانش عوام ترجمه کرده‌اند. برای این که این مفهوم روشن‌تر شود، ناگزیریم درباره کلمه فرهنگ و عوام بحث کنیم. کلمه فرهنگ در زبان فارسی چند معنی دارد: معروف‌ترین آن فرهنگ لغت است. معنی دوم آن تربیت کردن و تأدیب کردن است. معنی سوم فرهنگ که مدنظر ماست عبارت است از مجموعه میراث‌های معنوی یک قوم اعم از آن چه محصول عقل و ادراک یا زاده ذوق و عاطفه ایشان باشد. اگر بدان چه از معنویات گذشتگان که در دست قومی باقی مانده است بنگریم می‌بینیم در ساختن بعضی از آن‌ها فکر و اندیشه بیشتر دخالت داشته است (مانند دانش‌ها و اختراعات و اکتشافات گوناگون) و در برخی اثر ذوق و قریحه و خاصیت زیباپرستی و زیباپسندی ذهن بشر نمایان‌تر است (مانند تمام آثار هنری) که در عرف گروه نخستین را دانش‌ها و گروه دوم را هنرها می‌گویند. شما هر رشته‌ای از دانش‌ها یا هنرها

را در نظر بگیرید، خواهید دید که این دانش روزی میان مردم پدید آمده و به سعی دانشوران روزبه‌روز رشد کرده و توسعه یافته و مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها برای تدریس آن به فعالیت پرداخته‌اند. این گونه هنرها و دانش‌ها را دانش و هنر رسمی می‌نامیم. اکنون سؤالی تازه مطرح می‌شود: وقتی که علم رسمی، با این همه شکوه و عظمت وجود دارد، چگونه دانش‌ها و هنرهای عوام نیز قرن‌هاست جداگانه به حیات خود ادامه می‌دهد؟ می‌توان تصور کرد که در دوران بسیار قدیم، این هردو یکی بوده‌اند، اما پس از گذشت سالیان دراز، گروهی از افراد برجسته اجتماع بشری، کسانی که امکان و استعداد و فرصت آن را داشتند که فوق و اندیشه خود را وقف هنر و علم کنند، دنبال آن کار را گرفته و کاروان فرهنگ و گردونه‌های دانش و هنر را در تندبالی تاریخ به پیش راندند. اما همه مردم فرصت و امکان و استعداد همراهی با این کاروان را نداشتند و بالطبع همگان نمی‌توانستند آخرین کشف‌های علمی و حوادث هنری باخبر شوند. در نتیجه اطلاعات و معلومات ایشان در همان سطح نازل و ابتدایی خویش ماند و برای دل خوش کردن خود جوابی ـ ولو سطحی و کودکانه برای سؤال‌های خود پیدا کرد. بنابراین، همان‌گونه که یک ضرورت تاریخی و اجتماعی، قانون ترقی و تکامل بشر، اقتضا می‌کرد که دانش و هنر به‌وسیله مغزهای برگزیده به پیش روند، ضرورتی دیگر، ضرورت ارضای حس کنجکاوی که جلی تمام افراد بشر بود، هم ایجاد می‌کرد که در برابر سؤالی پاسخی ـ ولو عوامانه و نادرست ـ وجود داشته باشد و تمایلات عاطفی هر بشری به نحوی ارضا شود و ذوق وی نیز اثری درخور خویش پدید آورد.

همان‌گونه که فرهنگ رسمی به دو رشته بزرگ دانش‌ها و هنرها تقسیم

می‌شود، فرهنگ عوام را نیز می‌توان به دانش‌های عوامانه و هنرهای عوامانه تقسیم نمود. در باب هر موضوعی که دانش‌های رسمی شروع به تحقیق و تتبع کرده و با روش علمی ودقیق ومنظم در راه حل مسائل آن پیش رفته‌اند، اطلاعاتی به صورت پراکنده و غیرمنظم و احياناً نادرست و عاری از دقت نظر در بین عوام رایج است و این گونه اطلاعات هم درباره دانش‌های واقعی مانند؛ پزشکی، زمین‌شناسی، نجوم، هواشناسی، جانورشناسی و غیره است و هم در باب شبه علم‌ها یعنی خرافات و اوهامی که مدت‌ها به صورت علم رسمی به خود گرفته بودند مانند؛ علم کیمیا، احکام نجوم و نیز نجات و طلسمات.

هنر عوام را نیز مانند هنر رسمی می‌توان به رقص، نقاشی، موسیقی، ادب و نمایش (نمایش‌های محلی و دینی یعنی تعزیه و کارهای دیگری که جنبه نمایشی دارد مانند؛ معرکه‌گیری، نقالی، سخنوری، پرده خوانی و غیره) تقسیم کرد. در ادب عوام شعر و نثر مهم‌ترین قسمت آن است. در بسیاری از موارد ادب عوام به فارسی دری است؛ اما در موارد بسیار دیگر نیز آثار ادب عوام به لهجه‌ها و زبان‌های محلی پدید آمده است و این نکته مخصوصاً در شعر عوامانه بسیار نظرگیر است. بنابراین به‌طور کلی باید بگوییم که زبان عوام منحصر به زبان فارسی دری نیست و از همین نقطه یک تحقیق وسیع در لهجه‌های گوناگون فلات ایران و گردآوری و ثبت مشخصات آن‌ها برطبق اصول علمی زبان‌شناسی باید صورت بگیرد، چرا که بیش از هر چیز دیگر از مظاهر فرهنگ عوام در معرض خطر زوال و انهدام است. (محبوب، ۱۳۸۶، صص ۳۵-۴۶)